

نمونه‌ای موفق از یک کارآفرینی و کسب‌وکار خانوادگی موفق

شغلی برای همه

نرگس خانعلی‌زاده روزنامه نگار

صفحه‌شان را که باز می‌کنی در همان نگاه اول، شدت نور و رنگ و فانتزی‌اش جلب نظر می‌کند؛ دنیای رنگارنگ و دلنوازی که در کمتر گیوه‌ای از تصورات ما وجود دارد اما اینجا دیده می‌شود. این خلاصه‌ای از کسب‌وکار تولید گیوه مدرنی است که به صورت خانوادگی انجام می‌شود و اعضای آن می‌توانند خود را کارآفرین موفق در حوزه تولید محصولات و صنایع دستی بدانند. این را وقتی فهمیدیم که مادر خانواده، مدیر و مبتکر این کارآفرینی از مسیری که طی کرده‌اند و جایگاهی که امروز در آن ایستاده‌اند برآیمان گفت. مسیری که آنها را به موفقیت در حوزه بافت و تولید گیوه‌ای مطابق با سلیقه امروزی رسانده است.

این گزارش، مروری بر چرایی یک کارآفرینی موفق خانوادگی به نام تولیدی گیوه کرجال‌پاژ است.



تمرکز بر گیوه

«من همه هنرهای دوخت و طراحی را در این ۲۰ سال تجربه کرده بودم، اما لازم بود تا گیوه‌بافی را که هدف اصلی کسب و کارمان بود به صورت تخصصی‌تر یاد بگیرم.» همین کار را هم کرد و توانست این تخصص را با دیگر هنرهایش ترکیب کند و نتیجه‌اش بشود تولیدی گیوه کرجال‌پاژ و کارآفرینی برای زنان سرپرست خانوار. درواقع ایده و پیشنهاد بافت و فروش گیوه در شبکه اجتماعی همانا و افتتاح اولین مرکز توانمندسازی در مشهد هم همانا: «درواقع سعی کردم در این مرکز تمام تجربیات ۲۰ سال گذشته‌ام را تلفیق کنم و به سبکی نو و جدید آن را به کارآموزها آموزش بدهم.» کارگاهی که در روستای چنار و در ۴۵ کیلومتری روستای کلاته قرار دارد و به محلی برای درآمدزایی اهالی منطقه تبدیل شده است. حالا این کارآفرینی، نه تنها چاره‌ای برای حل مشکلات اهالی روستا شده که مسیر زندگی خانواده خانم اصغرزاده را هم عوض کرده است: «من، همسر، پسرانم و حتی عروسم باهم این مجموعه را پیش می‌بریم.» خانم اصغرزاده تأکید دارد بگوید اگر هرکدام از آنها در این راه حضور نداشته باشند، جایی از این هدف لنگ می‌ماند. نام مجموعه تولید گیوه خانواده اصغرزاده هم برخاسته از یک همفکری خانوادگی است؛ عنوانی که ترکیبی از کرجال که اصطلاحی محلی از توابع بهشهر و اصلت همسر خانم اصغرزاده به معنای دستگاه بافندگی پارچه است و پاژ که نشانی از محل سکونت آنها یعنی مشهد دارد. حالا همه آنها عضوی از مجموعه موفق و هنرمند کرجال‌پاژ هستند.

از کجا شروع شد؟

حالا بیشتر از ۲۰ سال است خانم اصغرزاده در حوزه مد، لباس و پوشش فعالیت می‌کند؛ فعالیتی که در دوسال اخیر به نتیجه خیلی خوبی رسیده است. نتیجه‌ای مانند یک کارآفرینی خانوادگی: «تحصیلات من در رشته طراحی لباس بود؛ رشته‌ای که از سر علاقه آن را انتخاب کردم و تا همین امروز آن را ادامه دادم.» خانم اصغرزاده در ۲۴ سالگی، یعنی همان موقع که تحصیلات آکادمیکش را به پایان رساند، وارد عرصه فعالیت در این حوزه شد. آن قدر که مشغول تدریس در دانشگاه‌های مختلف شد و نشان‌های کشوری متعددی در حوزه دوخت و طراحی پوشاک گرفت: «در تمام آن سال‌ها که مشغول فعالیت بودم، پسرانم هم در این مسیر کنارم بودند و انگار آنها هم با این حوزه رشد کردند و خو گرفتند.» نتیجه چه شد؟ این که بالاخره آن پسرپچه‌هایی که دوران کودکی و نوجوانی‌شان را در کنار مادر و با دوخت و دوز و طراحی و پارچه و حضور در نمایشگاه‌های تخصصی این حوزه گذرانده بودند، جوانانی شدند که پیشنهاد راه‌اندازی صفحه‌ای در شبکه اجتماعی و با محوریت تولید همین محصولات را به مادرشان دادند: «درواقع راه‌اندازی صفحه را با تولید سوزن‌دوزی و بدلیجات بلوچی شروع کردیم اما از یک جایی به بعد، فکر بافت گیوه در ذهن مان شکل گرفت.»

موفقیتی این چنین

از اولین روزهایی که تولید گیوه‌های دستباف را شروع کردند تا امروز که تنوع گیوه‌هایشان بسیار زیاد شده، بیشتر از دو سال می‌گذرد. انگار که امروز به روزهای خوبی از این کارآفرینی دسته‌جمعی رسیده‌اند: «بازخورد و استقبال مردم خیلی خوب است، آن قدر که برخی سفارش‌های ما از کشورهای خارجی است. آنها نمونه کارها را می‌بینند، مدل دلخواه‌شان را سفارش می‌دهند و بافندگان ما هم دقیقاً همان چیزی را که می‌خواهند، برایشان می‌بافند و ما هم ارسال می‌کنیم.»

حالا که دوسال از تولید و فروش گیوه‌های سنتی خانواده اصغرزاده می‌گذرد، آنها یک کارگاه بافندگی را که ۱۵ خانم سرپرست خانوار در آن فعالیت دارند، مدیریت می‌کنند. کارگاهی که البته گنجایشی بیشتر از این حرف‌ها دارد: «سال ۹۸ نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان از صندوق امید وام گرفتیم و با همان شروع کردیم. البته در حالی که کارگاه‌مان تا شاغل بودن ۱۵۰ نفر جا دارد اما سرمایه‌ای برای گسترش این تعداد نداریم.» این طور که خانم اصغرزاده می‌گوید، بازار فروش گیوه تا ۵۰۰ جفت در ماه هم گنجایش دارد اما نیروی کاری نیست که بتواند تعداد محصولات را به این عدد برساند. درواقع هرچه دارند، صرف حقوق بافندگان و سود خانوادگی‌شان می‌شود و چیزی برای این توسعه نمی‌ماند: «در صورتی که گنجایش کارگاه، فرصت خیلی خوبی برای افرادی است که به دنبال شغل با درآمد خوبی می‌گردند.» خانم اصغرزاده می‌گوید حقوق بافندگان حتی یک روز هم عقب و جلو نشده است: «گاهی پیش آمده که برخی کارها ایرادات جزئی داشته است. ما اول دستمزد بافنده بابت بافت گیوه را می‌دهیم و بعد از او می‌خواهیم تا محصول را اصلاح کند.» اینها را می‌گوید تا ما از نتیجه تضمینی کارآفرینی‌شان برای این جمعیت ۱۵ نفره مطمئن شویم.

نتیجه یک اعتماد خانوادگی

اما چطور طی مدت زمان دو سال، یک کسب‌وکار می‌تواند به چنین موفقیتی و البته از آن مهم‌تر، محبوبیتی برسد؟ موضوعی که مادر خانواده آن را در وحدت بین هم‌تیمی‌ها که اعضای خانواده هستند، می‌داند: «ما جلسات منظمی به صورت هفتگی داریم؛ جلساتی که در آن، نظرات و پیشنهادها را برای بهبود کیفیت ارائه می‌دهیم و با دقت آنها را بررسی می‌کنیم.» او معتقد است تولیدی کرجال‌پاژشان، شبیه یک میز است که خودش، همسرش، پسرانش و عروسش، پایه‌های این میز هستند و هرکدام آنها که نباشند، یک جای این میز لنگ خواهد زد: «در تیم ما، من مسئولیت طراحی، آموزش گیوه‌بافی و استعدادیابی هنرجوها را دارم. یکی از پسرانم مدیر صفحه فروش است و سفارش‌ها را تحویل می‌گیرد. پسر دیگرم مسئول کنترل کیفی محصولات است و بسته‌بندی آنها را انجام می‌دهد. همسر هم در این راه، مسئول رفع و رجوع کارهای اداری مانند ثبت برند و... است که خودش به تنهایی کار بزرگی است.» مسئولیت‌هایی که هرکدام آن قدر نیازمند صرف وقت و انرژی است که هیچ‌یک از آنها، مشغول کار دیگری به جز این کسب‌وکار خانوادگی نیستند.